شهرآرا
SHAHRARANEWS.IR
شنبه
۱۸ فروردین ۱۴۰۳
۲۶ رمضان ۱۴۴۵
شماره ۴۱۸۷
۱۰
فرهنگ و ادبیات

خاطرات هنرپیشه تئاتری که مبلغ دین می‌شود

## تولد در سرزمین مارادونا

کتاب «تولد در سرزمین مارادونا» نوشته مهری السادات معرک نژاد، به تازگی به وسیله انتشارات عهد مانا منتشر و روانه بازار نشر شده است. این کتاب دربرگیرنده خاطرات سهیل اسعد، پژوهشگر و مجری تلویزیون، است که به عنوان یک مسلمان آرژانتینی در ایران و جهان شناخته می شود.
خبرگزاری مهر نوشته است؛ به‌گفته ناشر اثر، نام این کتاب شاید مخاطب را به یاد فوتبال و فوتبالیست ها بیندازد، اما در واقع این کتاب خاطرات یک هنرپیشه تئاتر است که در آرژانتین متولد شده است و اطلاعات چندانی از اسلام ندارد و طبیعتا در قیدوبند دین و احکام دینی نبوده است. حالا اما او یک مبلغ دینی است که ما آن را به اسم سهیل اسعد می شناسیم. کتاب «تولد در سرزمین مارادونا» دربرگیرنده خاطرات سهیل اسعد است که از آرژانتین شروع می شود و تا لبنان و بعدها ایران ادامه پیدا می‌کند.

**در بخشی از این کتاب می خوانیم:**

«فوتبال در آرژانتین یک فرهنگ است، یک فرهنگ جدانشدنی. هر پسربچه ای که در این کشور به دنیا می آید، همه برایش آرزوی مارادوناشدن دارند. آن قدر فوتبال مهم است که در هر محله ای یک استادیوم بزرگ و کامل فوتبال هست. ساعت پنج به بعد که بچه ها از مدرسه می آیند و استراحت می‌کنند، شهر یک دست می شود زمین فوتبال. اما من از همان ده دوازده سالگی علاقه ای به فوتبال نداشتم. عصرها بعد از مدرسه می رفتم درِ مغازه پدرم و بعد از دوسه ساعت، راهی باشگاه جودو می شدم؛ باشگاهی که صدمترِی مغازه بود...»

این‌کتاب در ۱۶۰صفحه و با قیمت ۱۲۸هزار تومان عرضه شده است.

انتشار ۲سفرنامه برای عاشقان سفر و تاریخ

## گزارش های دست اول از عصر صفوی

انتشارات امیرکبیر دو کتاب تازه به رده سفرنامه هایش اضافه کرده است. یکی از آن ها سفرنامه یک پزشک اسکاتلندی است و دیگری سفرنامه ای از تاجران انگلیسی در عصر صفوی که هر دو با ترجمه ساسان طهماسبی منتشر شده است.
«سفرنامه جان بل» روایت سفر پزشکی است که همراه با سفیر روسیه در دوره شاه سلطان حسین، آخرین پادشاه صفوی، به ایران می رسد. جان بل در دوره ملتهبی از تاریخ در ایران حضور داشته و روزهای هرج ومرج، ناامنی، شورش های پی در پی در نقاط مختلف کشور و البته خطر قریب الوقوع حمله افغان ها به اصفهان را از نزدیک دیده و حس کرده است.
خبرگزاری ایبنا نوشته است: سفرنامه او پر است از توصیف دقیق شهرها و روستاهایی که در ایران از آن ها بازدید کرده است؛ شیوع طاعون در نیمه شمالی ایران و وضع مردم در مقابله با آن یکی از خواندنی ترین بخش های نوشته های جان بل به حساب می آید. گزارش های جان بل از اصفهان و دربار شاه سلطان حسین در آن دوره ملتهب در تاریخ ایران نیز از دست اول ترین گزارش هایی است که از آن زمان به دست ما رسیده است.
«سفرنامه های انگلیسی ها در ایران» دومین سفرنامه ای است که چاپ اول آن در سال جدید از طرف انتشارات امیرکبیر منتشر شده است. این کتاب مجموعه ای از هفت سفرنامه است که توسط تاجرانی که در دوره شاه طهماسب و شاه محمد خدابنده در عصر صفوی و پس از پشت سرگذاشتن مسیری سخت از طریق روسیه به ایران آمدند، نوشته شده است.
نوشته های بازرگانان انگلیسی بیش از هر چیز به اوضاع اقتصادی و تجاری ایران دوره شاه طهماسب و شاه محمد خدابنده اختصاص دارند و یکی از منابع ارزشمند درباره اقتصاد و تجارت ایران در این دوره به شمار می روند. مسائل سیاسی و اجتماعی در این سفرنامه ها بازتاب اندکی دارند، اما اطلاعات ارزشمندی نیز درباره اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در این گزارش ها یافت می شود. از آنجا که در بیشتر سفرنامه ها اطلاعات چندانی درباره وضعیت اقتصاد و تجارت در یک سرزمین یافت نمی شود، «سفرنامه های انگلیسی ها در ایران» کتابی متفاوت و بسیار خواندنی در این رده به حساب می آید.
«سفرنامه جان بل» در ۵۰۰نسخه و ۱۱۶صفحه و «سفرنامه انگلیسی ها در ایران» در ۵۰۰نسخه و ۱۹۴صفحه منتشر شده است و به زودی راهی کتاب فروشی ها خواهند شد.

عکس: محسن بخشنده، شهرآرا

درنگی بر ظرفیت های ادبی مشهد و نقش آن در رونق گردشگری ادبی این شهر

# بی بهره از گنجی سرشار

علیرضا حیدری

پیوند گنجینه های ادبی به صنعت گردشگری حرف تازه ای نیست، اما یادآوری آن به ویژه وقتی در واقعیت نشانه های بی توجهی به آن آشکار است، ضروری و بایسته است. خوشبختانه در جای جای ایران مقصدهای گردشگری ادبی فراوان است و به دلیل وجود آرامگاه های مفاخر ادبی، این فرصت برای رونق این صنعت مهیاست. بااین حال، کوتاهی ها و نبود برنامه ریزی جدی و بلندمدت، موجب ازدست رفتن این منبع اقتصادی و فرهنگی شده است. گردشگری ادبی از زیرشاخه های گردشگری فرهنگی و گردشگری میراثی است و از سده های ۱۸و ۱۹ باتوجه به گسترش مطالعات ادبی در اروپا شکل گرفت که هم سهمی در انتقال میراث ناملموس دارد و هم سهمی در ایجاد درآمد اقتصادی و ایجاد شغل.
آرامگاه حافظ و سعدی و خواجو در شیراز، نیمایوشیج در یوش، شهریار، اسدی توسی، خاقانی، ظهیرفاریابی، قطران تبریزی، سلمان ساوجی و ده ها شاعر دیگر در تبریز، خیام و عطار در نیشابور، شمس تبریزی در خوی، صائب تبریزی در اصفهان، شاه نعمت ا... ولی در کرمان، باباطاهر در همدان و فردوسی در مشهد (توس) فقط مهم ترین این مکان ها هست. البته این مکان ها همه ظرفیت گردشگری ادبی کشور نیست. به عنوان نمونه در گورستان بزرگ تخت فولاد اصفهان ۲۳۰شاعر به خاک سپرده شده است. علاوه بر این آرامگاه ها، ظرفیت هایی مانند جلسه های ادبی و انجمن های شعر و خانه های مشاهیر ادبی نیز وجود دارد. خوب می دانیم گردشگرانی هستند که به صورت معمول از میراث ادبی بازدید می کنند، ولی در کنار این گروه افرادی هم هستند که به دلیل علاقه به یک نویسنده، اثر یا جایگاه ادبی، راهی شهرهایی می شوند که به مقصد گردشگری ادبی معروف هستند. درصورتی که به درستی به این گنجینه های بی نظیر توجه شود، هم می تواند منشأ درآمدزایی شود و هم پیوستی فرهنگی است برای نسل امروز و آینده؛ آن هم درآمدی که نه تنها اقتصاد محلی را تکان می دهد، بلکه در وضعیت اقتصاد کلان کشور هم تأثیر مثبتی خواهد گذاشت. بنابراین، باتوجه به اینکه ادبیات یکی از اجزای مهم میراث فرهنگی یک کشور است، می توان با توسعه گردشگری ادبی علاوه بر درآمدزایی و جذب گردشگر، از این میراث ارزشمند به نحوی شایسته نگهداری کرد. این نوع گردشگری در جهان طرف داران زیادی دارد، برای مثال پاریس و لندن از جمله شهرهایی هستند که به دلیل حضور بسیاری از نویسندگان مشهور در آنجا جذابیت زیادی برای بازدیدکنندگان دارند. بدون شک تماشای خانه چارلز دیکنز، نویسنده مشهور انگلیسی، در لندن یا قدم زدن در خیابان هایی که محل وقوع داستان های شرلوک هلمز بوده است، هرگردشگری را به وجد می آورد. قبرستان مشاهیر مسکو (نووديچی) هم ازجمله جاذبه های گردشگری است که به دلیل قرارگرفتن آرامگاه افرادی همچون آنتوان چخوف، گوگول، مایاکوفسکی، نیکیتا خروشچف و... گردشگران زیادی را به سمت خود می‌کشاند.

> فراموش نکنیم که در همین دیدار نیمه رمضان انقلاب، ایشان با رهبر معظم تأکید کردند که یکی از پیام های شاعران ما در رسانه شعر، «پیام های تمدنی و ایرانیگری» ماست. چه جایی مهم تر از توس و آرامگاه فردوسی است که بتواند پیام تمدنی و ایرانیگری ما را بازتاب دهد؟

بااین حال، شاید از نظر تعداد شاعران و نویسندگان بزرگ، هیچ کشوری به ایران نرسد. به همین دلیل ایران دارای ظرفیت های زیادی برای «گردشگری ادبی» است. هنوز بسیاری از جای های شاهنامه در خراسان قابل شناسایی است و فرصتی برای گردشگری ادبی. چه بسیار رخدادها و دیدارهایی ادبی در مشهد انجام شده است که هرکدام از آن ها را می توان بازسازی و بازنمایی و ماندگار کرد. به طور مشخص، در این مطلب به دو مورد اشاره می‌کنم.

**مشهد و آرامگاه فردوسی**

اول باید به دو نکته توجه کنیم؛ یکی اینکه مسافرانی که به مشهد سفر می‌کنند، بی‌گمان هدف اولشان (با هر میزان اعتقاد) زیارت بارگاه رضوی است، دوم اینکه مشهد یک تاریخ و فرهنگی دیرپا با خود دارد، تا جایی که حتی آثار این فرهنگ و هنر و ادبیات در کل کشور پیداست و جلوه‌های درخشان آن زیب و زینت دفتر فرهنگ ایران شده است. مشهد با این پیشینه و این تاریخ و این شمار هنرمندان و ادیبان، می طلبد از ظرفیت گردشگری ادبی بهره ببرد. اگر سیاست ها و برنامه ریزی ها در مشهد «پیوست فرهنگی» داشته باشد، هر طرز تفکری که سکان مدیریتی این شهر را در دست بگیرد، ناگزیر است در کلان شهر فرهنگی مشهد راه مشخص شده را دنبال کند. اینجا خاستگاه زبان فارسی و آرامگاه زنده‌کننده آن است. کافی است به آمار تعداد بازدیدکنندگان همین نوروز۱۴۰۳ از آرامگاه فردوسی نظری بیفکنیم. آمار کاملاگویاست که از حدود ۱۰میلیون زائر و مسافر نوروزی مشهد، حدود ۱۰۰هزار نفر از آرامگاه فردوسی دیدن کرده اند. فراموش نکنیم که در همین دیدار نیمه رمضان شاعران با رهبر معظم انقلاب، ایشان تأکید کردند که یکی از پیام های شاعران ما در رسانه شعر، «پیام های تمدنی و ایرانیگری» ماست. چه جایی مهم تر از توس و آرامگاه فردوسی است که بتواند پیام تمدنی و ایرانیگری ما را بازتاب دهد؟ در جهان شهرهای معروفی که فلان نویسنده یا شاعر در آن دفن است، فرصتی مهم برای گردشگری ادبی است؛ چنان‌که در استراتفورد بریتانیا برای شکسپیر، در قونیه ترکیه برای مولانا و در وایمار آلمان برای گوته. حتی فراتر از این می بینیم مثلا برای فلان مکان یا خیابانی که یک نویسنده از آنجا عبور کرده است، امکانی برای گردشگری ادبی ساخته اند. به عنوان نمونه در اسپانیا یکی از مسیرهای معروف گردشگری ادبی این کشور مسیر همینگوی است. این مسیر، مسیری است که ارنست همینگوی هر سال از طریق آن برای شرکت در یکی از جشن های سالانه اسپانیا به نام سن فرمین به این کشور سفر می‌کرد. ما متأسفانه برای رونق آرامگاه زیبا و تاریخی و پرشکوه فردوسی، تقریبا هیچ کاری نکرده ایم. آیا دستگاه های مرتبط دستی جنبانده اند؟ که اگر می جنباندند، باید آمار دیدارکنندگان از آرامگاه به مراتب بیش از این می بود!

**خانه فرخ؛ خانه ادبیات**

گفتیم که ظرفیت ادبی برای گردشگری ادبی فقط منحصر به آرامگاه های مشاهیر ادبی نیست، بلکه امکان های دیگری مانند انجمن های ادبی و آنچه به نوعی به میراث ادبی یک شهر مربوط می شود هم در شمار ظرفیت گردشگری ادبی است. در مشهد مهم ترین آن مربوط به انجمن های ادبی است. انجمن های ادبی مشهد در تاریخ ادبیات ماریشه دارند و می توان مصادیق زیادی از آن را در تاریخ پیدا کرد. این انجمن ها بخشی از پیکره تنومند ادبیات و شعر را شامل می شوند. خراسان و مشهد از این نظر در قله قرار دارند و انبوه انجمن هایی که در این اقلیم برگزار می شده است، خود تاریخی قابل اعتنا دارد. برخی انجمن ها سهم قابل توجهی داشته اند و جریانی در ادبیات و شعر ایجاد کرده اند. انجمن های فرخ، نوگرایان، قهرمان و حوزه هنری از جریان سازترین این انجمن ها بوده اند.
در این میان، نام فرخ و انجمن او زبانزد است. خانه او محفلی برای رونق شعر، آموزش، هم‌گرایی شاعران و ارتباط وثیق بین اهل ادب بود. به درستی می شود گفت خانه استاد فرخ و انجمن او مهم ترین هدف گردشگری ادبی مشهد بود؛ شنیدن نام کسانی که به این انجمن رفت وآمد می کردند، خود گواه این ادعاست. خانه ای که به روایت زنده یاد استاد باقرزاده (بقا)، بزرگانی همچون زرین‌کوب، مجتبی مینوی، ملک الشعرا بهار، سعید نفیسی، امیری فیروزکوهی و... در آن حاضر شده بودند. شمارش و فهرست‌کردن این نام ها خود گواه بزرگی و عظمت نام فرخ و خانه اوست و نشان روشن بعد هویتی این خانه برای مشهد. روان شاد رضا افضلی هم وقتی از اعضای ثابت انجمن ادبی فرخ نام می برد، از افرادی مانند ابوالقاسم حبیب اللهی، گلشن آزادی، دکتر فیاض، دکتر رسا، احمد کمال، قدسی، صاحب کار، قهرمان، باقرزاده، غلام رضا صدیق، دکتر مجتهدزاده، تقی بینش، دکتر حجازی، دکتر حسین شهیدی، دکتر احمد علوی، حبیب بی‌گناه، تقی فتوت و دکتر یوسفی. قار بود این خانه، خانه ادبیات مشهد شود که متأسفانه به نتیجه نرسید. خانه ای که در خیابان چمران قرار دارد و تا جایی که به خاطر دارم، مبلغی هم توافق شد و مصوبه هم در شورای قبل به تصویب رسید؛ اما ظاهرا بعد از آن مبلغ جدیدی پیشنهاد شده بود که کار را متوقف کرد. امیدواریم این کار پیگیری شود و به سامان برسد. بی‌گمان اگر دستگاه های فرهنگی مشهد جدی و بارنامه باشند، می توان در مشهد به گردشگری ادبی نگاهی جامع تر داشت؛ هم به سود اقتصاد این شهر، هم رساندن پیام های تمدنی، فرهنگی، ادبی و ایرانی به مخاطب امروز و آینده.

درباره دیک دیویس، ادیب و شاعر انگلیسی و ترجمه های او از ادبیات کهن فارسی

# ادیبی غربی که با ادبیات فارسی پیر شده است

گپ دیگران

**ادبا و بزرگان عرصه ادبیات فارسی، دیک دیویس را از مترجمان بزرگ زنده شعر کلاسیک فارسی به انگلیسی می دانند. کتاب «در آفاق شعر کهن» شامل یازده مقاله از آثار و دیدگاه های دیویس درباره ترجمه و نیز هشت مقاله درباره فردوسی، فخری گرگانی، خیام، حافظ، عبید زاکانی و جهان ملک خاتون می شود که به تازگی منتشر شده است. مصطفی حسینی، مترجم و پژوهشگر در حوزه زبان و ادبیات فارسی و انگلیسی، به تازگی جدیدترین ترجمه اش را از دیک دیویس، ایران شناس، نویسنده و مترجم معروف آمریکایی، با عنوان «در آفاق شعر کهن؛ از فردوسی تا حافظ» در اختیار فارسی زبانان قرار داده است. آنچه در ادامه می آید، گزیده ای از گفت‌وگوی ایسنا با این مترجم است.**

**چرا در تازه‌ترین اثرتان، یعنی «در آفاق شعر کهن»، باز هم به سراغ دیک دیویس رفتید؟**

قبل از پاسخ به این پرسش اجازه دهید اندکی با زندگی و آثار دیک دیویس آشنا شویم. دیک دیویس در سال ۱۹۴۵ در بندر ساحلی پورتموث در انگلستان متولد شد و از بخت بلند ما ایرانیان هنوز هم در قید حیات است و همچنان سرگرم ترجمه اشعار کلاسیک فارسی. دیویس کارشناسی و کارشناسی ارشدش را از دانشگاه کمبریج در رشته ادبیات انگلیسی اخذ کرده است. همچنین، در دنیای انگلیسی زبان شاعر معروفی است و تا امروز هشت نه دفتر شعر از او منتشر شده است. در کتاب «در آفاق شعر کهن» مقاله مفصلی به نام «سرود باربد؛ دیویس به‌گفته دیویس» وجود دارد که در آن دیویس نحوه آشنایی اش با ادبیات فارسی و آثاری را که از فارسی ترجمه کرده، به طرز جذاب و دل‌نشینی روایت کرده است.

**ارتباط او با ایران و آثار فارسی چگونه شکل گرفته است و به ما بگویید ترجمه پژوهش های این محقق انگلیسی به فارسی چه اهمیتی دارد؟**

دیویس می‌گوید دوست باستان شناسی داشتم که در ایران مشغول حفاری بود. او نامه هایی برای من می فرستاد و در آن ها از زیبایی ایران، ازجمله طبیعتش تعریف می‌کرد. او سبب شد تا هفت سال پیش از انقلاب ۱۳۵۷ به این کشور و به دیدار دوستم بیایم. تصمیم گرفتم در ایران معلم زبان انگلیسی بشوم. بنابراین، حدود هشت سال، یعنی تا سال ۱۳۵۷ خورشیدی در ایران به سر می بردم. دیویس در همین سال ها و بازنی ایرانی که پرستار بود، آشنا شد و با او ازدواج کرد. سپس به کشورش بازگشت و در دانشگاه منچستر دکترای ادبیات کلاسیک فارسی گرفت.

**در دوران دکتری درباره کدام اثر ادبی فارسی کار کرده بود که به اخذ دکترای ادبیات کلاسیک فارسی موفق شد؟**

رساله دکترای او درباره «شاهنامه» فردوسی است. خود او درباره آن چنین توضیح می دهد که زمان اقامتم در ایران در دانشکده هنر تدریس می‌کردم. پس از آنکه تصمیم به بازگشت گرفتم، دانشجویان این دانشکده، «شاهنامه» فردوسی چاپ مسکو را به من هدیه دادند. خواندن این کتاب را در انگلستان شروع کردم و به نظرم جالب و شایسته توجه آمد. یک سال طول کشید تا فقط جلد اول آن را بخوانم و به تدریج سرعتم در خواندن این اثر بیشتر شد. پس از مطالعه این کتاب دیویس بر آن شد که رساله دکترایش را درباره شاهنامه بنویسد. موضوع رساله اش «تضاد پسران و پدران در شاهنامه» بود. بعدها دیویس پایان نامه دکترای خود را با تغییراتی منتشر کرد. خوشبختانه این کتاب به اهتمام سهراب طاوسی با عنوان «حماسه و نافرمانی» به زبان فارسی ترجمه شده است. دیویس پس از پشت سرگذاشتن مقطع دکترای خود به آمریکا مهاجرت کرد و مقیم ایالت اوهایو شد و در آنجا مشغول تدریس، تحقیق و ترجمه ادبیات کلاسیک فارسی شد. اکنون چند سالی می شود که دیویس از دانشگاه اوهایو بازنشسته شده است. او در دوران تدریس و تحقیقش به شکلی دقیق تر از سال ۱۹۸۴ به بعد، آثار متعددی را از ادبیات فارسی به انگلیسی ترجمه کرده که به جز یک مورد آن ها -رمان «دایی جان ناپلئون» اثر ایرج پزشکزاد- همگی درباره شعر کلاسیک فارسی است.

**درواقع می توان گفت تخصص اصلی این پژوهشگر و شخصیت دانشگاهی، در ادبیات کلاسیک فارسی است. نمونه هایی از آثاری را که دیویس ترجمه کرده است، نام می برید؟**

نخستین آن ها «منطق الطیر» عطار نیشابوری است که در سال ۱۹۸۴ منتشر شده است. دومین ترجمه او از متون کلاسیک فارسی به بخشی از «شاهنامه فردوسی»، یعنی داستان «سیاوش وسودابه» اختصاص دارد که در سال ۱۹۹۲ منتشر شد. سومین کار مهمی که دیویس از فارسی به انگلیسی ترجمه کرد، مجموعه ای از اشعار کوتاه فارسی مثل رباعی، دوبیتی و مفردات است که در انگلیسی به آن Epigram (کوته سروده) می‌گویند. عنوان این مجموعه «اسباب عاریتی: اشعار کوتاه کلاسیک فارسی» است که در سال ۱۹۹۶ منتشر شد. چند سال بعد دیویس همه «شاهنامه» را به شیوه نقالان به آمیزه ای از نثر و نظم ترجمه کرد. این ترجمه در سال ۲۰۰۶ به زیور طبع آراسته شد. «ویس و رامین» اثر فخرالدین اسعدگرگانی را به شعر عروضی در سال ۲۰۰۷ ترجمه و منتشر کرد. «صور عشق، حافظ و شاعران شیراز» کار بعدی اوست که در سال ۲۰۱۲ در اختیار علاقه مندان به ایران و زبان فارسی در دنیای غرب قرار گرفت. در سال ۲۰۱۹ کتاب «آینه قلبم: هزار سال شعر زنان ایرانی» را ترجمه و منتشر کرد. در این کتاب ترجمه نمونه اشعاری از قدیم ترین تا متأخرترین شاعران زن ایرانی وجود دارد. دیویس در سال ۲۰۲۱ «لیلی و مجنون» و در اواخر سال ۲۰۲۳ «خسرو و شیرین» را ترجمه و منتشر کرد.

**بنابراین، با نظر به آثاری که شما برشمردید، دیک دیویس در آشنایی انگلیسی زبانان دنیا با ادبیات فارسی، آن هم شاخص ترین آثار کلاسیک ما نقشی اساسی ایفا کرده است.**

دیویس یکی از مترجمان بزرگ اگر نگوییم بزرگ ترین مترجم زنده شعر کلاسیک فارسی به انگلیسی است و این قولی است که جملگی بر آن اند و استادان بزرگی مانند احسان یارشاطر، حشمت موید، محمود امید سالار و... ترجمه های درخشان او را ستوده اند. دیویس عمرش را بر سر این کار گذاشته و در این راه از جوانی به پیری رسیده است. به علاوه، محمود امید سالار، شاهنامه پژوه نامدار ایرانی ساکن آمریکا، «حماسه و نافرمانی» او را بهترین اثری می داند که به زبان انگلیسی درباره فردوسی و هنر شاعری او نوشته شده است. در اهمیت ترجمه های دیویس همین بس که ناشر معروف و معتبری مانند پنگوئن (Penguin) آثارش را چاپ کرده است.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری|مدرس ویراستاری

**ناویراسته ✗**

به احتمال زیاد توپ به بیرون خط اصابت کرده است.

**ویراسته ✓**

به احتمال زیاد توپ به بیرون خط رفته است.

**نکته**

*شاید گزارشگر ورزشی بازی والیبال نمی دانست گزینش واژه ها باید از لحاظ معنایی با بافت جمله متناسب باشد. «اصابت کردن» بیشتر با بافت متنی جنگی هماهنگ است.*

#زین_قند_پارسی